روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

پنجشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۲ ■ سال سی‌ویکم ■ شماره ۸۹۲۹

مهار تورم و رشد تولید

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
هر فریب‌خورده‌ای را نمی شود سرزنش کرد.

■ اذان ظهر: ۱۱:۴۸ ■ غروب آفتاب: ۱۷:۰۹
■ اذان مغرب: ۱۷:۲۷ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۶
■ اذان صبح فردا: ۵:۰۳ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۲۸

حافظ
حالیا مصلحت وقت در آن می‌بینم
که کشم رخت به میخانه و خوش بنشینم

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک:
موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن: ۹۱۳۰۴۱۴۲

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه: مهدی علیپور
■ معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: فرشاد عباسی

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
■ دبیر: علی ترابی
شهرنگار:
■ مدیر: سیمین برادران
■ دبیر: فهیمه طباطبایی
اقتصاد:
■ مدیر: سروش خسروی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند
ایرانشهر:
دبیر: زهرا عباسی

خانواده:
■ مدیر: محدث تک فلاح
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
تندرستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: عاطفه مرآتی
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ دبیر: ساسان شادمان
فرهنگ شهر:
دبیر: فرزام شیرزادی

۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
سرزمین من:
■ مدیر: محمد باریکانی
■ دبیر: مهلا داریان
همشهری جمعه:
■ مدیر: پروانه بهرام نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
صفحه آخر:
دبیر: مسعود میر
طرح و گرافیک:
دبیر: محمدعلی حلیمی

گرینویچ

شکار گوسفند از گله کانگوروها

محیط‌بانان و نیروهای داوطلب در استرالیا، بعد از ۵سال گوسفندی را پیدا کرده‌اند که در این مدت، برای خودش آزادانه می‌گشته و حتی مدتی را در میان کانگوروها زندگی کرده است. این گوسفند که شکر نام دارد، ۵سال پیش از مزرعه‌ای که در آن نگهداری می‌شد، فرار کرد و در یک پارک ملی، برای خودش زندگی می‌کرد. او بارها دیده شده بود اما هرگز کسی نتوانسته بود او را بگیرد تا اینکه اخیرا، درحالی که با یک گله کانگوروها زندگی می‌کرد، مشاهده شد. از آنجا که سال‌ها کسی پشم او را نزده بود، به‌راحتی از دور هم قابل تشخیص بود. سرانجام، توسط یک محیط‌بان و یک نیروی داوطلب گرفته شد. آنها در نخستین کار، پشم این گوسفند را زدند تا حیوان نفس راحتی بکشد و او را به خانه جدیدش در همین پارک فرستادند.

بزرگ‌ترین ظرف نودل دنیا

مسابقه جهانی تولید بزرگ‌ترین ظرف نودل فوری دنیا، رکورددار جدیدی دارد و یک شرکت چینی، محصولی تولید کرده که وزن آن به ۵۰کیلوگرم می‌رسد. این شرکت، این میزان نودل فوری را در یک ظرف بزرگ که ارتفاع آن به بیش از ۱،۵متر می‌رسد، ریخته است و اعلام کرده تمام این ظرف فقط با اضافه‌کردن آب جوش می‌تواند آماده خوردن شود. این ظرف از نودل برنج پخته، حلزون رودخانه‌ای و گوشت مزه‌دارشده تشکیل شده است. در مایه آن هم سرکه، روغن چیلی، کره بادام زمینی و سس بامبوی ترش وجود دارد. بعد از وزن‌کشی و ثبت رکورد، این ظرف بزرگ به کافه کارخانه برده و در یک مراسم، محتویات آن بین کارگران و کارمندان توزیع شد و آنها هم ته آن را درآورند.

جلیقه سرعتی برای دوندگان آماتور

دوندگان آماتور، احتمالا به‌زودی به لطف جلیقه‌های سرعتی خواهند توانست دوندگان حرفه‌ای را در دوهای سرعت به چالش بکشند. نخستین گام را در این مسیر، محققان در یک دانشگاه در کره‌جنوبی برداشته‌اند که با تولید یک جلیقه، به مردم عادی این امکان را می‌دهند که سریع‌تر از توان خود بدوند. این جلیقه که فقط ۲کیلوگرم وزن دارد، به کسی که آن را بپوشد کمک می‌کند سریع‌تر بدود و به‌صورت میانگین، زمان رسیدن او به خط پایان در دوی ۲۰۰متر یک ثانیه کمتر می‌کند. جلیقه سیم‌ها و کابل‌های فوق‌سبکی دارد که به ران دوندگان وصل می‌شود و سرعت واکنش ماهیچه‌های آنها را بیشتر می‌کند. این فناوری پوشیدنی در مراحل اولیه خود قرار دارد، اما به‌نظر می‌رسد در آینده‌ای نزدیک، کارایی بیشتر و گسترده‌تری خواهد داشت.

فراخوان

بی تعارف و تکلف مثل همین متن کوتاهی که می‌بینید، ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح‌تان که آماده شد یک تماس با شماره ۲۳۰۲۳۶۳۶ بگیرید تا برای رساندنش به ما راهنمایی‌تان کنیم.

تلألو ازدواج در هتل وحشت

جواد نصرتی

زوج‌های جوان آمریکایی که به‌دنبال یک مراسم عروسی ترسناک و فراموش‌نشدنی هستند، این روزها جذب هتلی می‌شوند که الهام‌بخش یکی از وحشتناک‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما بوده و با مراسم رعب‌آور عروسی‌اش شهرتی جهانی پیدا کرده است.

هتل استنلی در استل پارک در کلرادو، در ظاهر فرقی با هتل‌های دنج و سبک کلاسیک در این ایالت ندارد اما اتفاق‌هایی در این هتل افتاده که نامش را در تاریخ، به‌خصوص وقتی صحبت از ترس و وحشت مطرح است، جاودانه کرده است. در سال ۱۹۷۴، استفن کینگ نویسنده سرشناس آمریکایی، مدتی در این هتل اقامت داشت و در همان‌جا داستان رعب‌انگیز «درخشش» به او الهام شد. این رمان، بعدها دستمایه فیلمی با همان نام به کارگردانی استنلی کوبریک در سال ۱۹۸۰ شد. این فیلم، بارها در فهرست‌های مختلف به‌عنوان برترین فیلم ژانر وحشت دنیا انتخاب شده و یکی از آثار کلاسیک در این زمینه است. همه این توضیحات به‌خوبی نشان می‌دهد که چرا این روزها، هتل استنلی حسابی مورد توجه افرادی قرار گرفته که می‌خواهند عروسی‌شان، ژانر وحشت داشته باشد.

مالکان هتل هم به‌خوبی از این شهرت خبر دارند و با دکوراسیون و تزئینات متفاوت، افراد عشق وحشت را به‌خود جلب می‌کنند؛ از دندان‌های ومپایری و کیک‌هایی ساخته‌شده از شخصیت‌های ترسناک مثل فرانکشتاین گرفته تا تزئینات اسکلتی و حتی شیشه‌هایی که قلب گوسفند در آنها نگه داشته می‌شود.

اینکه زوج‌ها چرا این هتل عجیب را برای مراسم ازدواج خود انتخاب می‌کنند؟ نشانه‌ای از علاقه افراطی آنها به ژانر وحشت است. یک داماد که این هتل را برای برپایی مراسم عروسی‌اش در زمان هالووین رزرو کرده، در این‌باره به نیویورک تایمز گفته است: «عروسی شما نمایش خالصی از چیزی که هستید به شمار می‌رود اینجا همان چیزی است که ما دوست داریم.»

این هتل علاقه‌مندان خاص خودش را دارد و سالانه حدود ۱۰۰هزار نفر از آن بازدید می‌کنند. آنطور که مسئولان هتل می‌گویند، کینگ در اقامت خود در این هتل در سال ۱۹۷۴، شبی در خواب می‌بیند که پسر ۳ساله‌اش در راهروی هتل می‌دود و از سر وحشت جیغ می‌کشد. همین خواب، دستمایه نوشتن کتاب درخشان او می‌شود.

این هتل، در این فصل از سال که موقع هالووین است، شلوغ‌ترین روزهای خود را سپری می‌کند و در چند شب، زوج‌هایی که ماه‌ها و حتی سال‌ها پیش مراسمشان را رزرو کرده‌اند، با هم وصلت می‌کنند. مراسم آنها، پر از نشانه‌ها و المان‌های ترس و وحشت است؛ مثل تابوت‌های تزئینی، گل‌هایی که از آنها خون می‌چکد، پیشخدمت‌هایی که شبیه خون‌آشام هستند و.... حتی عروس و داماد هم ممکن است به درخواست خودشان گریم و آرایش متفاوتی داشته باشند. در این هتل، زوج‌هایی عروسی کرده‌اند که درست مثل خون‌آشام‌ها لباس پوشیده و گریم کرده بودند و حتی دندان‌های نیش بلندی هم برایشان درست شده بود.

دغدغه

رتبه ۲۲ آدم بیست‌های ایران

جغرافیای خاصی ندارد، آدم‌های خیر همه جا هستند و در همه حوزه‌ها فعالیت‌های بشردوستانه دارند. مؤسسات خیریه در همه‌جای جهان، فعالند و گروه‌های مردمی در کنار دولت‌ها، کارها را برای افراد دیگر آسان‌تر می‌کنند. خیران، افرادی هستند که بدون هیچ چشمداشتی تلاش می‌کنند به هر طریقی برای حل مشکلات مردم مشارکت فعالانه داشته باشند و با بذل مال و امکانات خود نقش مؤثری را در این زمینه ایفا کنند. در کشور ما هم مؤسسه‌های خیریه زیادی هستند که در حوزه‌هایی مثل سلامت، مدرسه‌سازی و کمک به مناطق محروم، کارآفرینی و اشتغال و... مشارکت دارند و علاوه بر این، افرادی هم هستند که به‌صورت مستقل و به‌عنوان خیر و حتی گاهی ناشناس سعی در حل مشکلات مردم دارند.

به همین دلیل هم کشور ما رتبه ۲۲ جهانی را در حوزه خیرین دارد، به‌ویژه استان فارس که در حوزه خیرین جزو پیشروترین استان‌هاست. البته این در حالی است که تمامی امور خیر ثبت نمی‌شود.

در سال‌های اخیر و پس از کرونا اقدامات و کمک‌های خیرین در ایران رشد بیشتری هم داشته، چون توجه خیرین و مردم به حوزه سلامت بیشتر شده است و نیکوکاران در این حوزه فعال‌تر شده‌اند. با توجه به اینکه گاهی موانعی هم بر سر راه خیران وجود دارد و موازی کاری‌ها باعث می‌شود که کار این افراد نادیده گرفته شود، مسئولان این وعده را داده‌اند که به‌زودی در مورد تسهیل‌گری و برداشتن موانع از سر راه خیرین اقدام کنند تا پا گذاشتن در این راه برای نیکوکاران راحت‌تر و بر تعدادشان در کشورمان افزوده شود، چرا که خیریه‌ها نقش مهمی در پیشبرد برنامه‌ها و اهداف تعیین شده در حوزه‌های مختلف دارند و تسهیل کار آنها موجب ارتقای فعالیت این نهادهای مردمی در سطح جامعه می‌شود.

کتابخانه پاییز

بادبادک سرنوشت

فاطمه اشرف

می‌گوید: «مطمئنی؟» و از همین سؤال یک کلمه‌ای، همه‌چیز دستگیرم می‌شود. او روحیات من را به‌خوبی می‌شناسد و می‌داند فضای یک فیلم یا کتاب تا چه اندازه می‌تواند برای من، واقعی و تأثیرگذار باشد. هشدارش را می‌فهمم و با این حال می‌گویم: «بله» و کتاب را که همین چند دقیقه پیش از بین کتاب‌هایش برداشتم، باز و شروع به خواندن می‌کنم.

و حالا ۳ روز است اندوه رهایم نمی‌کند. مدام ابروهایم در هم گره خورده است چون هر بار دختر یا همسرم من را می‌بینند می‌گویند: «چیزی شده؟» و مدام تاب تحمل هر چیز ساده‌ای را از کف می‌دهم چون بیشتر از روزهای قبل هنگام رانندگی بوق می‌زنم و حرف‌های اطرافم را کمتر می‌شنوم. تمام ذهنم در افغانستان است، در کابل و بین خانه و تپه‌ای که محل بازی امیر و حسن است، در رفت‌وآمد است. گاهی شانه راستم منقبض می‌شود و من این را مدتی بعد، وقتی دردش زیاد می‌شود، متوجه می‌شوم. گاهی بغض می‌کنم و در جاهایی از کتاب دیگر نمی‌توانم و نمی‌خواهم اشک‌هایم را کنترل کنم. فکر می‌کنم جملاتی که در «بادبادک‌باز» می‌خوانم، مرثیه‌ای از جنگ است و کمترین کاری که از من برمی‌آید، اشک ریختن است.

این چند روز وقتی از جلوی اتاقک سرایداری خانه می‌گذرم، حال دیگری دارم. حالا سرایدار این خانه که ۷یا ۸سال است همسایه ماست، فقط یک مرد جوان مهاجر نیست. تمایل فهمیدن قصه زندگی‌اش، کنجی از ذهنم نشسته است.

در بخش‌هایی از کتاب می‌ترسم. نه از فضای کابل جنگ‌زده که البته ترسناک است، که از رنج. رنج چنان مقبول و با آرامش روایت می‌شود که هولناک است. رنج در کابل پذیرفته شده است، شبیه بدنی که از درمان مأیوس شده و به دردش خو گرفته است. خشمگین می‌شوم. صد صفحه‌ای از کتاب مانده که می‌بندمش و در خود نمی‌بینم که تمامش کنم.

بلند می‌شوم و همانطور که با حرکاتی تند و خالی از ملاحظه ظرف‌های شسته شده را جابه‌جا می‌کنم، غرمی‌زنم: «چرا یه کتاب باید انقدر تلخ باشه؟». می‌گوید: «من که بهت گفتم». راست می‌گوید. او با همان جمله یک کلمه‌ای «مطمئنی؟» به من فهمانده بود ممکن است خواندن این کتاب برایم سخت باشد. او راست می‌گوید اما چیزی در درونم هنوز هم نمی‌خواهد تسلیم شود. می‌گویم: «تمومش می‌کنم» و به کتاب برمی‌گردم. یک نفس تا آخر می‌روم و در برابر پایانش، واکنشی ندارم چون بیش از اندازه شبیه زندگی واقعی است. یعنی همان جایی که گاهی سرنوشتت شبیه یک بادبادک می‌شود در هوای طوفانی. دلم می‌خواهد آخر کتاب را به جمله‌ای از صفحه ۱۱۵وصل کنم که خالدحسینی نوشته است: «آخر سر همیشه دنیا برنده است.». کتاب را به طرفش می‌گیرم و می‌گویم: «بالاخره تموم شد» و قبل از آنکه بخواهد چیزی بگوید، ادامه می‌دهم: «عجب تلخی تند و هنرمندانه‌ای، خوب شد خوندمش»

حالا ۳ روز است اندوه رهایم نمی‌کند. مدام ابروهایم در هم گره خورده است چون هر بار دختر یا همسرم من را می‌بینند می‌گویند: «چیزی شده؟»

ایده خوب

شهرک‌سازی برای بی‌خانمان‌ها

مهتاب خسروشاهی

داشتن سقف بالای سر، دغدغه هر موجود زنده‌ای به نام انسان است؛ این نگرانی حتی درباره پرندگان که آشیانه می‌سازند و موجوداتی که زمین را حفر می‌کنند و لانه می‌سازند صادق است. کارآفرینی کانادایی با آگاهی از این نگرانی بشری، آرزوی بسیاری از افراد بی‌خانمان را برآورده کرده و برای آنها سقف بالای سر ساخته است. «مارسل لبرون»، بنیانگذار شرکت Neighbors، یک شرکت مانیتورینگ شبکه‌های اجتماعی در آمریکا، با فروش شرکت خود به رقمی سرسام‌آور به رقیب خود، توانست پول خوبی به جیب بزند و حالا با پول آن آستین بالا زده و در شهر فردریکتون نیوبرانزویک در آمریکا، برای افراد بی‌خانمان، خانه‌سازی می‌کند. به‌طور متوسط هر ۴روز، یک خانه کوچک آماده می‌شود. لبرون درصدد است تا ۹۹خانه در این منطقه بسازد. در کنار این خانه‌ها، یک مرکز تجاری نیز ساخته خواهد شد. لبرون نام این طرح را «پروژه ۱۲همسایه» گذاشته است. دلیل آن هم کنار هم قرار گرفتن ۱۲خانه در یک فضای سبز و در نزدیکی یکدیگر است و به این ترتیب نظم شهرک با این تقسیم‌بندی شکل می‌گیرد.

براساس گزارش‌های محلی از منطقه نیوبرانزویک، طی سال گذشته میلادی (۲۰۲۲) حداقل ۱۶۰۰نفر، یک روز را بدون خانه زندگی کرده‌اند. به گفته لبرون، او فقط به‌دنبال ساختن خانه نیست، بلکه می‌خواهد شهر ایده‌آلی را در دل این شهر آسیب‌دیده ایجاد کند. او ۴ میلیون دلار برای پروژه ساخت ۹۹خانه سرمایه‌گذاری کرده و در حال حاضر سه‌چهارم طرح به انجام رسیده است. علاوه براین سرمایه اولیه، کمک‌های بلاعوض و حمایت دولت؛ پروژه جامعه ۱۲همسایه در مجموع ۱۲میلیون دلار دریافت کرده است.

این خانه‌ها دارای امکانات کامل شامل آشپزخانه با سرویس کامل، بخش نشیمن، اتاق خواب و سرویس کامل بهداشتی و حمام است. هر خانه دارای یک ایوان کوچک و پنل‌های خورشیدی روی پشت‌بام است و رنگ‌آمیزی زیبایی نیز دارد. از آنجا که بعضی از این خانه‌ها قرار است به افراد بی‌خانمان با شرایط ویژه مانند ابتلا به بیماری خاص تعلق گیرد، بنابراین شهر موردنظر دارای بخش‌های امنیتی مانند حصارهایی برای جلوگیری از افراد مزاحم است. از سوی دیگر مرکز تجاری نزدیک به این شهرک، دارای امکانات رفاهی و بخش‌های تفریحی مانند کافی‌شاپ است. این مرکز تجاری نیز با هدف کارآفرینی برای مردم این شهرک تاسیس می‌شود.

خوش‌خبر

حامی برای شب‌های سرد

داستان کارتن‌خواب‌ها و متکدیان بی‌خانمان با رسیدن فصل سرما و سردی هوا تکرار می‌شود؛ آنان که زیر پل‌ها و مخروبه‌های بافت شهر پنهان می‌شوند تا از سرمای سوزناک و باران در امان بمانند. تا همین چند سال پیش با فرارسیدن فصل زمستان، شماری از کارتن‌خواب‌ها در شهری مانند تهران جان خود را به دلایلی نظیر سرمازدگی و عفونت از دست می‌دادند، اما این آمار دست‌کم طی ۸-۷سال گذشته با اقدام سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران در تجهیز گرم‌خانه‌ها و اتخاذ تدابیری نظیر همین اتوبوس‌های سیار به صفر رسیده و طی ۵سال گذشته هیچ بی‌خانمانی به‌دلیل سرما در تهران جان خود را از دست نداده است. از جمله مواردی که سبب حفظ جان افراد بی‌سرپناه شهر تهران در مقابل سرما شده، همین ایجاد گرم‌خانه در نقاط مختلف شهر تهران است تا بی‌خانمان‌ها مجبور نباشند شب‌های سرد را در خیابان‌ها بگذرانند. علاوه بر این چندسالی هست سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران تمهیدات دیگری را نیز برای حفاظت از جان افراد بی‌سرپناه درنظر گرفته که ایجاد گرم‌خانه‌های سیار یا همان اتوبوس‌های سیار است. این اتوبوس‌ها در نقاط پرتردد شهر تهران نظیر میدان راه‌آهن، میدان تجریش، میدان آزادی، میدان امام حسین و ... مستقر شده و ویژه اسکان آن دسته از افراد بی‌سرپناهی است که تمایلی به حضور در گرم‌خانه یا انتقال به گرم‌خانه از طریق گشت‌های شهرداری ندارند. درواقع اتوبوس‌های خواب فضایی است که افراد بی‌سرپناه با حضور در آن امکان استراحت در محلی گرم و مناسب به نسبت خیابان و فضاهای عمومی پیدا می‌کنند.